

والله اعلم بسلام از دور ترا بیوسم و برایت سلامتی و موفقیت آرزو میکنم. زوال جان
خوشحالم که اگر استوانه‌ام به لندن بیایم از فردا که لا اقل چند دقیقه این صداقت
را شنیدم. بر آن مسافرت به شهر بدیع. اینجا حتی اسمش را نمیشود آورد. حتی در جاهایی
که مسافری آنجا میزند اگر بدانند کسی ایرانیست او را بعنوان مسافر هم قبول نمیکند
اینها هم اگر قبول کنند نسوگند بایدون پاسپورت ایرانی خود را آنجا برنگردانند.
اینهم از آن نسیاست که فقط باید در کشورهای شیطانی برت و کوچک پرسه بزنیم
و موفق بدیدار دوستان شویم. از آن بدیع پرسید آیا از آن طرف امکانی وجود
ندارد که تو هم از آنجا بعنوان تدریس شود اینجا بلیط و ویزا تهیه کرد؟

نمی‌دانم چه راهی اختیار بیاید این رباعی ابوسعید ابوالخیر اندازم؟
از بیم رقیب جستجویت نلکم - وز طعنه غیر گفتگویت نلکم
لب لبتم و از زبان نشستم، اما این را نتوان که آرزویت نلکم

در صورت امید دارم شما و هر دو از عزیز خوب باشید. با بدیع و بزرگان هم
سلام بر ابراسته تا سه روز دیگر بروین هم به وین میاید و مسلماً آن وقت
شما تلفتی با هم صحبت خواهید کرد و نامه دینی بدستان میرسد که روزها از درود
بر دین گذشته است. بر آن تقویم هم به بروین سفارش کرده‌ام.

امید دارم عید نوروز به شما و همه دوستان و آشنایان و آدراگان دلایات
عزیزت خوش بگذرد. هر چند بقول فرخی: گفتن لفظ مبارک باد طوطی در قفس -
شاهد آینه دل داند که جز تقلید نیست. عید نوروزی که از بیدار شدن کمان عزیزت
عزیزت را در آوردم و ملذذت کردم منجسی. بیشتر وقت عزیزت را میگویم و با تو
خدا حافظی میکنم. با امید دیدار. زیانت شرح ۱۵ آذر ۱۳۴۲ - مهر ۱۳۴۲

۴۹
ترانه عزیز دوست داشتنی ام را از دور هزاران بار میگویم: امیدوارم که حالت خوب باشد مغز و سر حال باشی
این شعر آخرین شعر بابا هست که بر این سروده اند:

ای باره عشق در سجوی من	ای روشتک، ای فرشته خوی من
ای حوی تو عطر مشکبوی من	ای چشم تو، چشمه اسید من
باست هینه گفتگوی من	ازست هم نشاط و سر من
تو پای منی به جستجوی من	تو چشم منی جو چشم بر بندم
گلروی منی و آبروی من	تو دست منی و دستگیر من
بوده است هینه آرزوی من	آزادی خلق بسته در زنجیر
از حیل و خدی عدوی من	وینک پس نیم قرن در بندم
از دغدغه خلق ز رهجوی من	بنو بنگر پر است ز نازنا
آمده است بخت و گفتگوی من	(مائیم نه «من» بیخیش کرد شعر
در سینه چرخفت هاروی من	فریاد ما از سینه ات برکش
ای شعله قلب سخت پری من	پوینده راه رزم مردم باش

این شعر به آن طریق سرودم
* * *
گولفت «پیار» آمازه جوی من:

پروانه خوب نازنین من
ای دختر ماه و مه چنین من